

وَأَبِينُ مِمَّا تَرَى الْعُيُونُ، لَمْ تَبْلُغْهُ الْعُقُولُ بِتَحْدِيدِ فَيْكُونَ مُسَبَّهَا، وَلَمْ تَقَعْ عَلَيْهِ الْأَوْهَامُ بِتَقْدِيرِ فَيْكُونَ مُمَثَّلًا. خَلَقَ الْخَلْقَ عَلَى غَيْرِ تَمَثِيلٍ، وَلَا مَشُورَةَ مُشِيرٍ، وَلَا مَعُونَةَ مُعِينٍ، فَتَمَّ خَلْقُهُ بِأَمْرِهِ، وَأَذَعَنَ لِطَاعَتِهِ، فَأَجَابَ وَلَمْ يُدَافِعْ، وَانْقَادَ وَلَمْ يُنَازِعْ.

## ٢. بديع خلقه الخفاش

وَمِنْ لَطَائِفِ صَنَعَتِهِ، وَعَجَائِبِ خِلْقَتِهِ، مَا أَرَانَا مِنْ غَوَامِضِ الْحِكْمَةِ فِي هَذِهِ الْخَفَافِيشِ الَّتِي يَقْبِضُهَا الصِّيَاءُ الْبَاسِطُ لِكُلِّ شَيْءٍ، وَيَبْسُطُهَا الظَّلَامُ الْقَابِضُ لِكُلِّ حَيٍّ، وَكَيْفَ عَشِيَّتْ أَعْيُنُهَا عَنْ أَنْ تَسْتَمِدَّ مِنَ الشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ نُورًا تَهْتَدِيهِ فِي مَذَاهِبِهَا، وَتَتَّصِلُ بِعَلَانِيَةٍ بِرُهَانِ الشَّمْسِ إِلَى مَعَارِفِهَا. وَرَدَعَهَا بِتَلَاؤِ ضِيَائِهَا عَنِ الْمُضِيِّ فِي سُبُحَاتِ إِشْرَاقِهَا، وَأَكْتَمَهَا فِي مَكَامِنِهَا عَنِ الذَّهَابِ فِي بُلُجِ اثْتِلَاقِهَا، فَهِيَ مُسَدَّلَةٌ الْجُفُونِ بِالنَّهَارِ عَلَى حِدَاقِهَا، وَجَاعِلَةٌ اللَّيْلِ سِرَاجًا تَسْتَدِلُّ بِهِ فِي التَّمَايِسِ أَرْزَاقِهَا، فَلَا يَرُدُّ أَبْصَارَهَا إِسْدَافَ ظُلْمَتِهِ، وَلَا تَمْتَنِعُ مِنَ الْمُضِيِّ فِيهِ لِغَسَقِ دُجَّتِهِ. فَإِذَا أَلْقَتِ الشَّمْسُ قِنَاعَهَا، وَبَدَتْ أَوْضَاحُ نَهَارِهَا، وَدَخَلَ مِنْ إِشْرَاقِ نُورِهَا عَلَى الصَّبَابِ (الضَّلُوعِ) فَيُوجَرِهَا، أَطَبَقَتِ الْأَجْفَانَ عَلَى مَآقِيبِهَا، وَتَبَلَّغَتْ بِمَا اكْتَسَبَتْهُ مِنَ الْمَعَايِشِ فَيُظْلَمُ لَيَالِيهَا. فَسُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ اللَّيْلَ لَهَا نَهَارًا وَمَعَاشًا، وَالنَّهَارَ سَكْنًا وَقَرَارًا وَجَعَلَ لَهَا أَجْنِحَةً مِنْ لَحْمِهَا تَعْرُجُ بِهَا عِنْدَ الْحَاجَةِ إِلَى الطَّيْرَانِ، كَانَتْهَا سَفَايَا الْأَذَانِ، غَيْرَ ذَوَاتِ رِيْشٍ وَلَا قَصَبٍ، إِلَّا أَنْكَ تَرَى مَوَاضِعَ الْعُرُوقِ بَيْنَهُ أَعْلَامًا. لَهَا جَنَاحَانِ لَمَّا يَرِقًا فَيَنْسَقَا، وَلَمْ يَغْلُظَا فَيَنْقُلَا. تَطِيرُ وَوَلَدُهَا لِأَصْقَى بِهَا لِأَجَى إِلَيْهَا، يَقَعُ إِذَا وَقَعَتْ، وَيَرْتَفِعُ إِذَا ارْتَفَعَتْ، لَا يَفَارِقُهَا حَتَّى تَسْتَدَّ أَرْكَانَهُ، وَيَحْمِلُهُ لِلنُّهُوضِ جَنَاحَهُ، وَيَعْرِفُ مَذَاهِبَ عَيْشِهِ، وَمَصَالِحَ نَفْسِهِ. فَسُبْحَانَ الْبَارِيِّ لِكُلِّ شَيْءٍ، عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ خَلَا مِنْ غَيْرِهِ!

اوهام نمی‌توانند برای او اندازه‌ای مشخص کنند تا در شکل و صورتی پنداشته شود. پدیده‌ها را بی‌آن که نمونه‌ای موجود باشد یا با مشاوره مشورت نماید و یا از قدرتی کمک و مدد بگیرد آفرید. پس با فرمان او خلقت آن به کمال رسید و اطاعت پروردگار را پذیرفت و پاسخ مثبت داد و به خدمت شتافت، و گردن به فرمان او نهاد و سرپیچی نکرد.

## ۲- شگفتی‌های خفاش

از زیبایی‌های صنعت پروردگاری، و شگفتی‌های آفرینش او، همان اسرار پیچیده حکیمانه در آفریدن خفاشان است. روشنی روز که همه چیز را می‌گشاید، چشمان‌شان را می‌بندد، و تاریکی شب که هر چیز را به خواب فرو می‌برد، چشمان آن‌ها را باز می‌کند.

چگونه چشمان خفاش کم بین است که نتواند از نور آفتاب درخشنده روشنی گیرد؟ نوری که با آن راه‌های زندگی خود را بیابد، و در پرتو آشکار خورشید خود را به جاهایی رساند که می‌خواهد، روشنی آفتاب خفاش را از رفتن در تراکم نورهای تابنده‌اش باز می‌دارد، و در خلوتگاه‌های تاریک پنهان می‌سازد، که از حرکت در نور درخشان ناتوان است، پس خفاش در روز پلک‌ها را بر سیاهی دیده‌ها اندازد، و شب را چونان چراغی برمی‌گزیند، که در پرتو تاریکی آن روزی خود را جست و جو می‌کند، و سیاهی شب دیده‌های او را نمی‌بندد، و به خاطر تاریکی زیاد، از حرکت و تلاش باز نمی‌ماند. آن‌گاه که خورشید پرده از رخ بیفکند، و سپیده صبح‌گاهان بدمد و لانه تنگ سوسمارها از روشنی آن روشن گردد، شب‌پره، پلک‌ها بر هم نهد، و بر آن چه در تاریکی شب به دست آورده قناعت کند.

پاک و منزّه است خدایی که شب را برای خفاشان چونان روز روشن و مایه به دست آوردن روزی قرار داد، و روز را چونان شب تاریک مایه آرامش و استراحت آن‌ها انتخاب فرمود، و بال‌هایی از گوشت برای پرواز آن‌ها آفرید، تا به هنگام نیاز به پرواز، از آن استفاده کنند، این بال‌ها، چونان لاله‌های گوشند<sup>۱</sup> بی‌پرورگ‌های اصلی، ولی جای رگ‌ها و نشانه‌های آن را به خوبی مشاهده خواهی کرد. برای شب‌پره‌ها دو بال قرار داد، نه آن قدر نازک که در هم بشکنند، و نه چندان محکم که سنگینی کند؛ پرواز می‌کنند در حالی که فرزندان‌شان به آن‌ها چسبیده و به مادر پناه برده‌اند، اگر فرود آیند با مادر فرود می‌آیند، و اگر بالا روند با مادر اوج می‌گیرند.

از مادران‌شان جدا نمی‌شوند تا آن هنگام که اندام جوجه نیرومند و بال‌ها قدرت پرواز کردن پیدا کند، و بدانند که راه زندگی کردن کدام است و مصالح خویش را بشناسند. پس پاک و منزّه است پدید آورنده هر چیزی که بدون هیچ‌الگویی باقیمانده از دیگری، همه چیز را آفرید.

۱. خفاش در پروازها و شکار کردن‌ها از چشم خود استفاده نمی‌کند، بلکه به وسیله فرستادن امواج و دریافت آن، موانع را تشخیص می‌دهد. درست مانند یک دستگاه رادار عمل می‌کند که امواج «ماوراء صوت» را به وسیله یک فرستنده قوی به فضا می‌فرستد، امواج همه‌جا به پیش می‌روند. وقتی به مانعی برمی‌خورند، منعکس می‌گردند. به این ترتیب وجود هواپیمای دشمن را تشخیص می‌دهند. خفاش در حال پرواز در هر ثانیه ۲۰ تا ۶۰ بار امواج ماوراء صوت از خود بیرون فرستاده که پس از بازگشت امواج، راه‌ها، موانع و غذا را به خوبی تشخیص می‌دهد.